

بسم الله الرحمن الرحيم

البيعة لله



حجرت ۵۴

سید احمد الحسن (علیه السلام):

بر ملت‌های فرانسه، انگلیس و آمریکا است که بدانند حکومت‌هایشان که از قتل و کشتار پشتیبانی می‌کنند، مسئولیت جرائم کشت و کشتاری که وهابی‌های خونخوار و قاتل در سوریه انجام می‌دهند را متحمل می‌شوند.

(مجلس فقهی بک سید احمد الحسن، ۱۳۹۱/۱/۲۸ هـ.ش)

ميلاد مبارک

حسین (علیه السلام)، ابوالفضل (علیه السلام)، سجاد (علیه السلام)

﴿المعوض من قتله أنَّ الأئمة من نسله... و الاوصياء من عترته بعد قائمهم و غيبته﴾

﴿درعوض شهادت حسین (علیه السلام)، امامان، از نسل او...﴾

و اوصیاء بعد از قائمشان و غیبتش، از خاندان او هستند...﴾

(دعای سوم شعبان)



آیا اوصیای از عترت امام حسین (علیه السلام) که بعد از قائم (علیه السلام) هستند را می‌شناسیم؟

امام احمد الحسن (علیه السلام) در تاریخ بیستم فروردین سال نودوهفت که مصادف بود با نهم آوریل میلادی، تصویری را در صفحه مبارکشان به نمایش گذاشتند؛ تصویر مجسمه ساقط‌شده صدام حسین در میدان شهر بغداد. در تاریخ نهم آوریل ۲۰۰۳ میلادی، سربازان آمریکایی پس از حدود سه هفته از شروع حمله به عراق و سقوط حکومت صدام حسین، مجسمه او را ساقط کردند.

پیام امام کلام



ادامه مطلب در صفحه دوم

لینک ارتباط با کلام

در قسمت‌های پیشین بیان شد که مطابق کلام سید احمد الحسن در کتاب عقاید اسلام، در برهه‌ای از زمان ممکن است حجت خداوند از طریق سفیران و واسطه‌هایی با مردم در ارتباط باشد.

در این بین اما سؤالاتی مطرح می‌شود و آن اینکه:

- چرایی و حکمت وجود این وسائط چیست؟

- این واسطه‌ها چگونه شناخته می‌شوند؟

ادامه مطلب در صفحه دوم

در نظریه تکامل

نقدی بر بردیه مکارم شیرازی



در این اواخر جناب ناصر مکارم شیرازی در وب‌سایت رسمی خود، برای رد نظریه تکامل به خبری استناد می‌کند که به شرح زیر می‌باشد: «مثلاً در این اواخر در مطبوعات، این خبر به چشم می‌خورد که مجسمه‌هایی از انسان‌های مربوط به حدود ۲ (دو) میلیون سال قبل پیدا شده که با انسان امروزی فرق چندانی ندارد و این مطلب پایه‌های فرضیه تکامل را به لرزه درآورد، چراکه آن‌ها معتقدند انسان‌هایی که در چند صد هزار سال قبل می‌زیسته‌اند هرگز به صورت انسان‌های کنونی نبوده‌اند. از این سخن به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که این فرضیه‌ها تا چه حد ناپایدار است و در پرتو اکتشافات جدید ممکن است متزلزل شود.

ادامه مطلب در صفحه سوم

وصیت یوان خلد در شب وفات

امام صادق (علیه السلام) از پدرانش... از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) خبر داد که رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) در شب وفاتش به امام علی (علیه السلام) فرمود: ای ابا الحسن کاغذ و دواتی بیاور، رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) وصیتش را به امام علی (علیه السلام) املاء نمود تا به جایی رسید که فرمود:

یا علی، بعد از من دوازده امام است و بعد از آن‌ها دوازده مهدی خواهد بود... تا به فرزندش «محمّد» مستحفظ از آل محمد واگذار نماید. آن‌ها دوازده امام هستند و پس از آن‌ها، دوازده مهدی خواهند بود؛ پس «هرگاه وفاتش رسید، وصیت و جانشینی را به فرزندش که نخستین نزدیکان است، تسلیم می‌نماید. او سه نام دارد؛ نامی مانند نام من و نام پدرم و آن عبدالله و احمد و اسم سوم مهدی است و او اولین مؤمنین است.

ترجمه کتاب غیبت شیخ طوسی ص ۲۰۰ ج ۲

نسب سید احمد الحسن

سید احمد الحسن، فرزند سید اسماعیل، فرزند سید صالح، فرزند سید حسین، فرزند سید سلمان، فرزند امام محمد بن الحسن العسکری (علیه السلام) می‌باشد. سید احمد الحسن، وصی و فرستاده امام مهدی (علیه السلام) می‌باشد که برای هدایت و زمینه‌سازی ظهور مقدس مبعوث شده است. همان یمانی موعود، برای شیعیان و همان مهدی متولد شده در آخر الزمان نزد اهل سنت که رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) بشارت تولد ایشان را دادند؛ و فرستاده‌ای از سوی حضرت عیسی (علیه السلام) و حضرت ایلیا (علیه السلام) برای مسیحیان و یهودیان می‌باشد. ایشان دعوت الهی خود را به دستور پدر بزرگوارش امام مهدی (علیه السلام)، در سال ۱۹۹۹ میلادی در نصف اشف، پایتخت دولت عدل الهی آغاز نمودند و از آنجا دعوت امام مهدی (علیه السلام) همچون دعوت رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) به همه جهان انتشار یافت. ایشان برای اثبات حقانیت خود، به قانون معرفت حجت های الهی احتجاج می‌کنند؛ این قانون از سه اصل تشکیل می‌شود: ۱) نص الهی؛ یعنی وصیت شب وفات رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) را مطرح کرده اند و نام مبارک احمد به‌عنوان مهدی اول در آن ذکر شده است. ۲) علم و حکمتی که برای هدایت همه مردم ارائه داده‌اند و با آن، همه علمای ادیان را به تحدی فرا خوانده. ۳) پرچم البیعه لله «دعوت به حاکمیت خدا»

سردبیر

اهمیت نقشی ناظر در حاکمیت خداوند

(مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَّا دُفْتُ فِيهِمْ قَلَمًا تَوْفِيقِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ) (من به آنان جز آنچه من دستور دادم نگفتم، [گفتم]: خدایی را بپرستید که پروردگار من و شماست؛ و تا زمانی که در میان آنان بودم گواهشان بودم؛ و چون مرا [از میان آنان به‌سوی خود] برگزفتی، خود مراقب و نگاهبانشان بودی؛ و تو بر همه‌چیز گواهی) (مانده: ۱۱۷)

عیسی (ع) خلیفه الهی و حاکم منصوب از جانب خداوند بر مردم زمان خودش است، و آن در اینجا شاید از حقیقت نظام در حاکمیت خداوند و قانونی بودن آن، پرده برمی‌دارد؛ زیرا در حکومت الهی، نقش نظارتی برای خداوند سبحانی است که خواب و خوراکه او را نمی‌گیرد، و چیزی او را از چیز دیگر باز نمی‌دارد و فطرتاً معلوم است که ناظر، بالاتر از کسانی است که بر آنها نظارت دارد و پایین‌تر از آنها نیست، بلکه او کسی است که حاکم را منصوب کرده و بر او نظارت دارد و او را پیگیری کرده و محاسبه می‌کند.

و این همان چیزی است که امام علی (ع) در نامه‌اش به مالک اشتر، آن را بیان کرد، هنگامی که به او گفت: به‌اندازهای که دوست داری خداوند تو را مورد عفو قرار داده و از تو بگذرد، مردم را مورد عفو قرار بده و از آنها درگذر، زیرا تو مافوق آنها هستی و والی امر بر تو، مافوق توست؛ و خداوند مافوق کسی است که تو را به فرمانداری ولایت انتخاب کرد.

و این امر از هر جهت، خلاف آن چیزی است که در حاکمیت بشر است؛ پس در حکومت بشری، اگر نظام حکومت، دیکتاتوری باشد، حاکم همان حاکم و همان ناظر است و کارها از او شروع می‌شود و نزد او پایان می‌پذیرد!

اما اگر نظام حکومت، دموکراسی باشد، در آن چیزهای شگفتی می‌بینی، پس ناظر بر حاکم، همان ملت تحت حکومت اوست!

آیا این مطلب که ملت تحت حکومت، ناظر باشد، از مسائل عجیب‌وغریب نیست؟!؟

آیا مافوق و زیردست در آن زمان، یکپجز است؟

آیا دو چیز ضد، در یک‌زمان، در یک‌جا جمع می‌شوند؟!؟

شکی نیست که در اینکه حکومت بشری بر اساس نیرنگ‌های اکثریت عمل می‌کند، هنگامی که مسئولیت نظارت بر

حکومت به این اکثریت واگذار می‌شود؛ و اگر این اکثریت از حکومت، ظلم یا ستمی ببیند و مستقیماً در برابرش صدایش را بالا ببرد او را به تحریک جهت ایجاد شورش و ناامنی و توطئه برای براندازی حکومت و تخریب نظام محکوم می‌کند!

بنابراین مسئولیت نظارتی‌اش کجا رفت؟؟؟

و بنابراین مردم باید آگاه شوند بر اینکه این مسئله، نیرنگ و مغالطه‌ای واضح است و شایسته است که خردمندان و روشنفکران فریب آن را نخورند، و بر آنها لازم است که برای عموم مردم، پرده از این راز بردارند که نقش نظارتی آنها فقط همانند هوا در تور است!

و این نیرنگ که ملت همان ناظر است، فقط برای مصادره کردن ناظر و از بین بردن نقش او به‌طور کامل در جهت هدایت حرکت حاکم و محکوم است؛ و این امر همان چیزی است که امروزه به‌طور واضح در سایه حکومت بشری آشکار است؛ پس ملت تحت حکومت بین سندان احزاب و چکش حکومت است و نه ناظر است و نه حسابگر؛ تا اینکه امنیت مردم به ناامنی تبدیل شد و مصلحت‌های آنها نیست، مگر مثل ریشه در مسیر ورزش باد که نه قرار دارد و نه در جایی ساکن می‌شود!

بنابراین دعوت به برپایی حکومت الهی، دعوتی برای سرگرمی یا دعوتی برای رقابت بر سر دنیا و میل و رغبت داشتن در حکومت مردم و رهبری آنها برای ریاست بر آنها نیست؛ بلکه حکومت الهی ضروری است و شاید از آب‌وهوا هم ضروری‌تر باشد؛ پس باوجود آن حکومت، زیادشدن آب‌وهوا برای افراد تحت حکومت، تضمین می‌شود؛ و بدون آن، هردوی آنها، گم شده یا در معرض نابودی قرار دارد.



ادامه مطلب در صفحه چهارم

نهایتاً علم منشور در آن و یا صوت او، حجت را تمام می‌کند، اما راه اصلی بیان شد. بنابراین هیچ صفحه‌ای و یا آی‌دی در هیچ فضایی که مدعی انتساب به سید احمدالحسن (ع) است، صادق نیست، مگر اینکه نزدیکان سید (ع) و مکتب او که مورد اعتماد ایشان (ع) هستند، ما را از صحت آن مطلع سازند. تنها سایت رسمی سید احمدالحسن (ع) است که می‌توان سؤالات را از طریق قسمت «ارسال سؤالات» از ایشان پرسیم؛ و صفحه رسمی فیس‌بوک و توئیتر ایشان نیز موجود است. اما در خصوص سؤال سوم که قصد داشتیم در این نوشتار بدان پاسخ دهیم: بر فرض گمراهی و خیانت واسطه‌ها و یا از دسترس خارج شدن واسطه‌های مجازی، راه اطلاع از آن و یا راه شناخت معصوم در صورتی که در این هنگام ظهور کند چیست؟! این سؤال و سؤالاتی از این قبیل، اساسی‌ترین سؤال یا شبهه منافقین دعوت یمانی و منکرین مکتب مبارک امام احمدالحسن (ع) است. (و همچنین منکرین صفحه مبارکه فیس‌بوک امام (ع) که جایگزینِ موقت حضور خود امام (ع) در مکتب مبارک بوده است). البته ممکن است شبهه عده‌ای هم باشد که ان شالله در قسمت بعد بدان می‌پردازیم....



راههای ارتباط با امام

قسمت سوم:

... در صورت گمراهی و خیانت آنان، راه اطلاع از آن و یا راه شناخت معصوم در صورتی که در این هنگام ظهور کند چیست؟
در قسمت اول به سؤال اول و دوم پاسخ داده شد؛ حکمت وجود وسائط، حفظ جان معصوم است، در شرایطی که برای ارتباط او و دیگران موانع امنیتی وجود دارد...
و همچنین گفته شد که راه شناخت واسطه‌ها و اعتماد به آنان، اعتماد و نص خود معصوم به آن‌هاست. در ادامه هم برای نمونه، نصوصی که به سفیران چهارگانه امام مهدی (ع)، وجود داشت ذکر شد...
در قسمت دوم نیز به بررسی واسطه‌های ارتباطی با سید احمدالحسن (ع) و نصوصی که در تأیید آن‌ها وارد شده پرداختیم...

در این قسمت، به‌واسطه‌های مجازی ارتباط با سید احمدالحسن (ع) و چگونگی اطمینان از وثاقتِ آن‌ها، می‌پردازیم.

اما واسطه‌های مجازی ارتباط با سید احمدالحسن (ع) از قبیل:
-سایت رسمی که سید (ع) پاسخ سؤالات شرعی، عقیدتی، تفسیر رؤیا، تفسیر قرآن و... را به‌واسطهٔ آن انجام می‌دهد نیز به شهادت شیوخ - که واسطه‌های نخست بودند- رسمی هستند.
-و صفحه فیس‌بوک و توئیتر سید (ع) که به‌شخصه در آن می‌نویسد نیز به شهادت شیوخ و نزدیکان سید (ع) رسمی است.
- و همچنین مصاحبه‌های پالتاک که ایشان (ع) به‌صورت رسمی در این پیام‌رسان انجام داده است و...
این واسطه‌های مجازی از طریق نص منقول از شیوخ ثابت شده است.
اما علمی که در آن واسطه‌های مجازی نشر می‌شود دلیل غیر مستقل دیگری است...
- و همچنین صوت مؤید است.
- و رؤیاها و استخاره‌ها و کرامات و... نیز مؤید است.
مختصری توضیح در خصوص چگونگی اطمینان از وثاقت واسطهٔ مجازی:
به‌عنوان مثال، اگر صفحه‌ای در فیس‌بوک به نام کسی ایجاد شود، برای علم و یقین به اینکه آن صفحه واسطه‌ای برای ارتباط با همان شخص است یا نه، چند راه وجود دارد:
- به شکل حضوری از خود او سؤال شود؛ و اگر این مسئله ممکن نبود از واسطه‌هایی که مورد اعتماد هستند، سؤال شود.
- همچنین گاهی برای تأیید، از او صوت و گاهی تصویر خواسته می‌شود.
- گاهی هم از آنچه می‌نویسد و علم و اطلاع او، به شخص او پی می‌برید...
بنابراین مسئله بسیار ساده است: اگر صفحه‌ای مجازی، اعم از سایت یا آی‌دی پالتاک یا صفحه فیس‌بوک یا صفحه توئیتر یا اینستاگرام یا تلگرام و غیره، مدعی شد که رسمی بوده و همان احمدالحسن (ع) است، برای اثباتش همان راه‌های که عرض شد، طی می‌شود؛ یعنی اگر توان دیدار با سید احمدالحسن (ع) بود از او می‌پرسیدیم، اما این راه، مسدود است؛ در نتیجه مجبوریم از طریق شیوخ مکتب و یا نزدیکان سید (ع) که تقه هستند، وارد شویم و از آن‌ها سؤال کنیم...

السلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

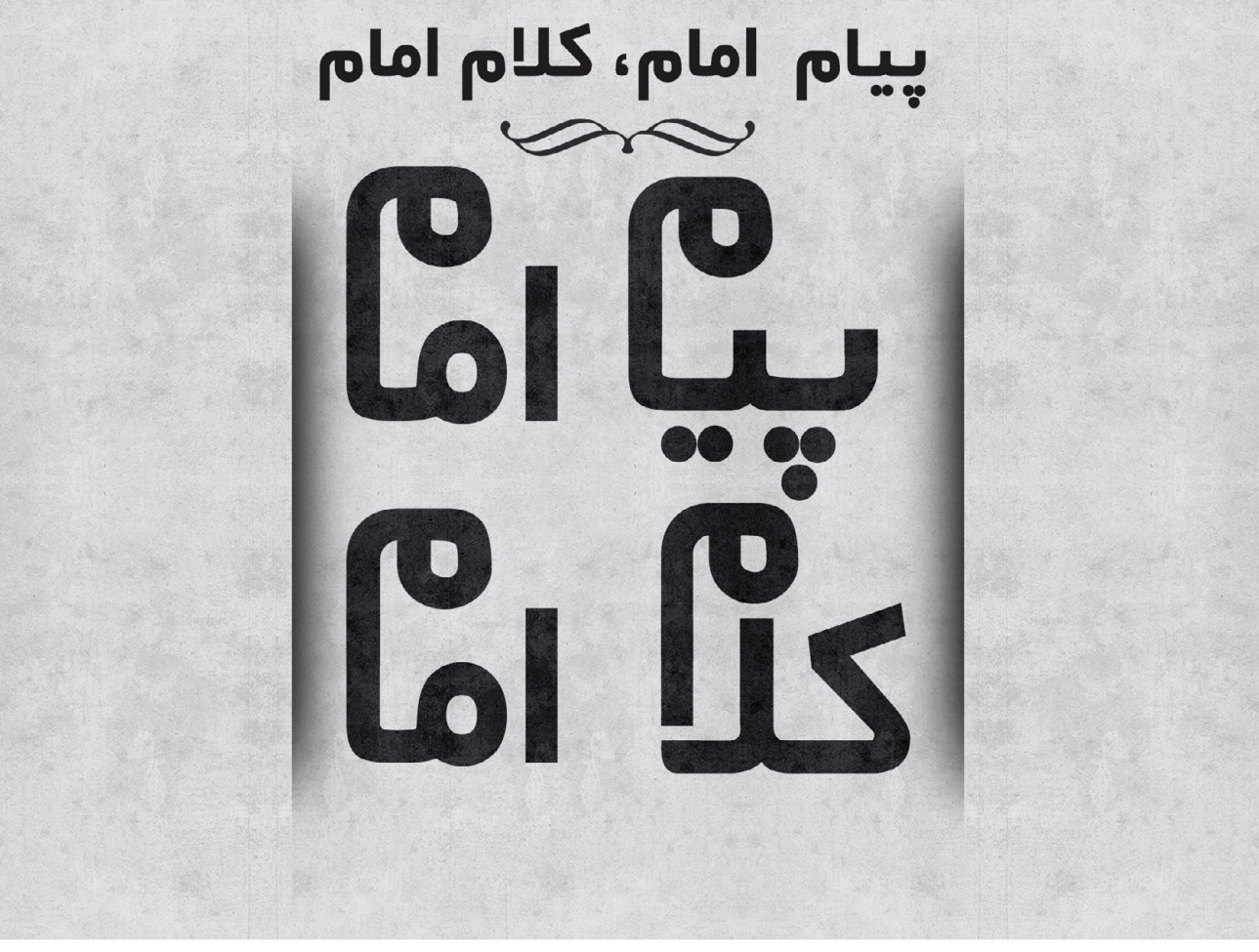


اخبار حاکی از آن است که آمریکا و کشورهای غربی، عزم خود را بر توجیه حمله به سوریه جزم کرده‌اند؛ و ما امروزه در سوریه می‌بینیم که جنگ‌هایی بین نظام کشور سوریه و قاتلان القاعده دایر است. هرکس نظام سوریه یا به‌طور کل، سوریه را مورد هجوم یا ضربه قرار دهد، او تنظیم القاعده را پشتیبانی می‌کند و به آنها کمک می‌کند تا بر گردن های مسلمانان مسلط شود. این به‌اختصار، معادله‌ای روشن است و نیاز به هیچ‌گونه تحلیل ندارد؛ بنابراین ما امروز با روشنی کامل می‌بینیم که آمریکا و چند کشور غربی دیگر، القاعده را در سوریه و مناطق خاورمیانه پشتیبانی می‌کنند.

سید احمدالحسن، 28 آگوست 2013

پیام امام، کلام امام

خدا در زمینش را نقض می‌کند اعتراف می‌نماید؟! بنابراین کسی که دموکراسی و انتخابات را می‌پذیرد، دیگر هیچ ارتباطی با دین الهی نخواهد داشت و به تمام ادیان و حاکمیت خدا در زمینش کافر خواهد بود. (همان: ص ۲۴)
با وجود اینکه امروز همگی -چه علما و چه عموم مردم- به حاکمیت مردم و انتخابات فرا می‌خوانند، اما بیشتر آن‌ها به این مطلب معترف هستند که جانشین خدا در زمینش همان صاحب واقعی است؛ ولی این اعتراف تنها به‌عنوان یک عقیدهٔ ضعیف باقی مانده است؛ عقیده‌ای که در کشمکش بین ظاهر و باطن مغلوب شده و این چنین مردم و به‌خصوص علمای بی‌عمل در یک وضعیت نفاق‌آلود زندگی می‌کنند.... این‌ها همان علمای آخرالزمان -بدترین فقه‌ای زیر سایهٔ آسمان- هستند؛ فتنه از آن‌ها خارج می‌شود و به آن‌ها بازمی‌گردد؛ همان‌طور که رسول خدا (ص) دربارهٔ آن‌ها چنین خبر داده است. (همان: ص ۲۹)
و امروز سید احمدالحسن (ع) از طرف پدر بزرگوارش امام زمان (ع) مأمور است تا با اهتزاز پرچم البیعه لله با این دموکراسی مقابله کند و همه را به حاکمیت خدا دعوت کند. زمانی که همه مردم و حتی علما این پرچم را نادیده می‌انگارند و از حاکمیت خدا دور شده‌اند و خواسته یا ناخواسته تن به حکومت شورا و سقیفه داده‌اند و حتی مراجع، حکم به وجوب شرکت در انتخابات می‌دهند، این فرستاده امام عصر (ع) است که مهر باطلی بر این ماجرا زده و به همه گوشزد کرده است که بیعت و حاکمیت تنها برای خدا و خلیفه خداست و مردم سهمی در آن ندارند.



...امام (ع) بدون اینکه شرحی بر این تصویر داشته باشد آن را به نمایش گذاشت، اما نکتهٔ دیگر این تصویر که به تصویر اصلی اضافه شده این بود که مجسمهٔ خود مردم از اصناف گوناگون، از جمله روحانیون عراق به‌جای مجسمه صدام در بلندی میدان قرار گرفته بود. ظاهراً امام (ع) در صدد بودند تا به همه بفهمانند که همچنان جایگاه حاکمیت و حاکم برقرار است، اما این بار خود مردم به‌جای دیکتاتوری واحد شخصی، بر مسند قدرت و حکومت تکیه زدند؛ حکومتی که فقط و فقط از آنِ خداست و کسی حق ندارد در مسند قدرت و حاکمیت به‌جای خلفای منصوب الهی بنشیند.
گویی آنچه در عراق اتفاق افتاد به نفع حاکمیت خدا و سنت شرعی اسلامی نبوده است. اگرچه روحانیون و علما و مراجع شیعه از انتخابات و دموکراسی حمایت کرده و به آن وجهه شرعی داده‌اند. (در تصویر، مجسمه شخص ملبس به لباس روحانی نیز دیده می‌شود).
شاید مردم گمان می‌کنند که با دموکراسی، دیگر دیکتاتوری وجود نخواهد داشت، اما این گونه نیست؛ و استبداد و دیکتاتوری در بطن دموکراسی نهفته شده است (تصویر مردم در بلندی میدان می‌تواند علامت دیکتاتوری خاصی باشد که در بطن دموکراسی نهفته شده است).
امام احمدالحسن (ع) در این زمینه می‌فرماید:

دیکتاتوری در دل دموکراسی نهفته است؛ این ویژگی در میدان عمل کاملاً مشهود است؛ زیرا هر روش فکری وقتی از طریق یک حزب مشخص به قدرت می‌رسد تلاش می‌کند نظریهٔ سیاسی خود را به هر شکلی که ممکن باشد بر آن سرزمین مسلط گرداند. شاید این‌طور گفته شود: این خود مردم هستند که انتخاب کردند و این طرز فکر را به قدرت رساندند!

می‌گویم: قطعاً مردم این حزب و روش فکری را با توجه به آنچه در عرصهٔ سیاسی زمان انتخابات وجود داشته است به قدرت رسانیده‌اند؛ اما اینکه بعد از یک سال وضعیت به چه شکلی خواهد شد مردم نمی‌دانند. اگر وضعیت به‌گونه‌ای رقم بخورد که به زیان منافع دینی یا دنیوی این نظام حاکم باشد، مردم نمی‌توانند نظام حاکم را رد کنند و به‌قول معروف: «تبر با سر افتاد». [اشاره به ضرب‌المثل عربی: «وقع الفأس بالرأس»؛ کنایه از سرگردان و درمانده شدن مردم و محبوس شدن در چنین شرایطی است].
چنین شرایطی منجر به بروز امثال هیتلرها می‌شود؛ کسانی که از طریق انتخابات و دموکراسی مورد ادعا زمین را به فساد و تباهی کشیدند. (کتاب حاکمیت خدا، نه حاکمیت مردم: ص ۲۱)

به‌طور قطع و یقین، دین الهی طرز تفکر دیگری غیر از طرز فکر دموکراسی دارد؛ دین الهی به چیزی جز برگزیدن از سوی خدا اعتقاد ندارد: (انی جاعل فی الارض خلیفه)؛ (من در زمین جانشینی می‌گمارم). (بقره: ۳۰)
که این منتخب و برگزیده، مهدی (ع) است. دین الهی در زمان ما برای ما مسلمانان به قانونی جز قانون الهی، یعنی قرآن اقرار نمی‌کند و برای یهودیان، این منتخب و قانون، ایلیا (ع) و تورات و برای مسیحیان، عیسی مسیح (ع) و انجیل هستند. حال که وضعیت این‌گونه است، پس یک مسلمان، مسیحی یا یهودی چگونه می‌تواند ادعا کند که او به خدا ایمان دارد و همچنین به حاکمیت او که متمثل در مهدی (ع) و قرآن، عیسی (ع) و انجیل، یا ایلیا (ع) و تورات است اقرار دارد و در عین حال به حاکمیت مردم و دموکراسی که اساس و بنیان دین الهی و حاکمیت



نقدی بر ردیه مکارم شیرازی بر نظریه تکامل

چنین مجموعه‌هایی یافت نشده است! و چنین خبری نیز تاکنون منتشر نشده است!!!

حال بیاید آخرین یافته‌های علمی را بررسی کنیم:

در ژورنال علمی «Scientific American» مقاله‌ای چاپ شده است که مربوط به کشف فسیل هوموساپینس (انسان امروزی) با قدمت حدود ۳۰۰ هزار سال است.

پس دانشمندان می‌گویند انسان‌های امروزی ۳۰۰ هزار سال پیش وجود داشته‌اند و در اینجا این گفته مکارم شیرازی، «آن‌ها معتقدند انسان‌هایی که در چند صد هزار سال قبل می‌زیسته‌اند هر گز به‌صورت انسان‌های کنونی نبوده‌اند» نقض می‌شود.

<https://www.scientificamerican.com/article/ancient-fossils-from-morocco-mess-up-modern-human-origins>

تا پیش‌ازاین فسیل‌ها، قدیمی‌ترین فسیل‌های نوع انسان در اتیوپی (محوطه اوموکیبیش) در شرق آفریقا کشف شده بود و قدمت آن تقریباً ۱۹۵ هزار سال رقم زده می‌شد؛ یعنی حتی قبل از شناسایی این فسیل‌ها دانشمندان می‌دانستند که انسان‌های امروزی در حدود ۲۰۰ هزار سال پیش نیز وجود داشتند.

ازآنجاکه قدیمی‌ترین فسیل انسان امروزی دارای اهمیت زیادی است، مقاله دیگری در مورد فسیل یافت شده انسان امروزی در ۳۰۰ هزار سال پیش، از ژورنال علمی «Science» خدمت شما ارائه می‌دهیم.

<http://science.sciencemag.org/content/summary.۹۹۳/۶۳۴۲/۳۵۶>

و همچنین خبر فسیل یافت‌شده با قدمت حدوداً ۳۰۰ هزار سال و نسبت دادن آن به کهن‌ترین انسان امروزی، توسط ژورنال علمی نیچر - که یکی از معتبرترین ژورنال‌های دنیاست - نیز تأیید شده است.

<https://www.nature.com/news/oldest-homo-sapiens-fossil-claim-rewrites-our-species-history>

درنتیجه دانشمندان به‌صورت واضح بیان داشتند که قدیمی‌ترین فسیل انسان امروزی کشف شده، مربوط به حدود ۳۰۰ هزار سال پیش است؛ زیرا دیرینه‌شناسان از کشف قدیمی‌ترین بقایای متعلق به اجداد انسان امروزی موسوم به انسان خردمند (با نام علمی هوموساپینس) در مراکش خبر داده‌اند. این فسیل‌ها شامل اسکلت سه بزرگسال، یک نوجوان و یک کودک با قدمت حدود ۳۰۰ هزار سال است؛ و هیچ خبری دال بر پیدا شدن فسیل‌های انسان امروزی (هوموساپینس) با قدمت ۲ میلیون سال وجود ندارد.

درنتیجه اظهارنظر عجیب مکارم شیرازی در مورد اینکه دانشمندان می‌گویند انسان‌های چند صد هزار سال قبل هرگز شبیه انسان امروزی نبوده‌اند از اعتبار ساقط می‌شود؛ و در ضمن دانشمندان صراحتاً می‌گویند قدیمی‌ترین فسیل یافت‌شده از انسان امروزی (Homo sapiens)، ۳۰۰ هزار سال قدمت دارد و اینکه مکارم شیرازی ادعا می‌کند فسیلی پیدا شده که دو میلیون سال قدمت دارد!!! باید دنیا را از این یافته جدید باخبر سازد! چراکه موضوعی را مطرح کرده است که هیچ ژورنال علمی و پایگاه خبرسانی، آن را منتشر نکرده و از آن اطلاعی ندارند.

و البته مکارم شیرازی و سایر علمای ادیان باید بدانند که فسیل‌ها تنها و مهم‌ترین اسناد و شواهد تأییدکننده تکامل نیستند؛ بلکه امروزه دلایل ژنتیکی که با بررسی تکتک واحدهای ژنتیکی موجودات در مقیاس مولکولی انجام می‌شود و همچنین کالبدشناسی تطبیقی، مهم‌ترین و قطعی‌ترین دلایل اثبات تکامل هستند؛ که برای کسب اطلاعات بیشتر از این شواهد، مطالعه فصل دوم کتاب توهّم بی‌خدایی را به آن‌ها توصیه می‌کنیم.

لینک مطالعه فصل دوم کتاب توهّم بی‌خدایی:

<https://www.almahdyyoon.co/doa.html#p=۷۵>

نقدی بر ردیه مکارم شیرازی بر نظریه تکامل

... متأسفانه بنا بر دلایلی که نمی‌دانیم چیست، جناب مکارم شیرازی منبع خبر را ذکر نمی‌کند! درحالی‌که اصل بر این است که وقتی خبری را نقل می‌کنیم باید منبع آن را نیز ذکر کنیم و همچنین زمانی می‌توان به یک خبر علمی استناد کرد که مقاله‌ای از آن در یک ژورنال علمی معتبر چاپ شده باشد؛ پس شایسته بود جناب مکارم شیرازی، منبع خبری که نقل کرده است را نیز ذکر می‌کرد؛ ولی مکارم شیرازی، مخاطب خود را متوجه خبری می‌کند که اساساً امکان بررسی صحت آن وجود ندارد!!!

ناصر مکارم شیرازی می‌نویسد:

- مجموعه‌هایی از انسان‌های مربوط به حدود ۲ (دو) میلیون سال قبل پیدا شده که با انسان امروزی فرق چندانی ندارد...

- انسان‌هایی که در چند صد هزار سال قبل می‌زیسته‌اند هرگز به‌صورت انسان‌های کنونی نبوده‌اند.

و نتیجه می‌گیرد:

از این سخن به‌خوبی می‌توان نتیجه گرفت که این فرضیه‌ها تا چه حد ناپایدار است و در پرتوی اکتشافات جدید ممکن است متزلزل شود.

طبق مطالب فوق مشخص می‌شود که مکارم شیرازی می‌خواهد با استناد به این خبر، مثال نقضی را مطرح کند و به نظریه تکامل ایراد بگیرد! ما به این موضوع که آیا نظریه تکامل این‌گونه زیر سؤال می‌رود یا نه، کاری نداریم و برای طولانی نشدن بحث طبق فرض مکارم شیرازی، موضوع را بررسی می‌کنیم که ببینیم آیا ایشان توانسته است همان فرض خود را اثبات کند یا نه؟! او تنها در صورتی می‌تواند به این هدف خود برسد که اثبات کند مجموعه‌هایی که پیدا شده است، مربوط به انسان امروزی یعنی گونه هوموساپینس (homo sapiens) می‌باشد؛ اما تاکنون هیچ فسیلی که از گونه هوموساپینس و متعلق به ۲ میلیون سال پیش باشد، پیدا نشده است! زیرا طبق آخرین یافته‌های باستان‌شناسی، قدیمی‌ترین فسیل کشف‌شده متعلق به گونه هوموساپینس، مربوط به حدود ۳۰۰ هزار سال پیش است.

۱) <https://www.nature.com/news/oldest-homo-sapiens-fossil-claim-rewrites-our-species-history>

۲) <https://www.scientificamerican.com/article/ancient-fossils-from-morocco-mess-up-modern-human-origins/>

۳) <http://www.sciencemag.org/news/۰۶/۲۰۱۷/world-s-oldest-homo-sapiens-fossils-found-morocco>

۴) <https://edition.cnn.com/۰۷/۰۶/۲۰۱۷/health/oldest-homo-sapiens-fossils-found/index.html>

۵) https://www.washingtonpost.com/news/speaking-of-science/wp/۰۷/۰۶/۲۰۱۷/oldest-homo-sapiens-fossils-discovered-in-morocco/?utm_term=.۸۵۲۸f۱۳۱۱eaa

۶) <https://phys.org/news/-۰۶-۲۰۱۷scientists-oldest-homo-sapiens-fossils.html>

۷) <https://www.sciencenews.org/article/oldest-known-homo-sapiens-fossils-come-northern-africa-studies-claim>

۸) <https://www.nytimes.com/۰۷/۰۶/۲۰۱۷/science/human-fossils-morocco.html>

۹) <http://www.cbc.ca/news/technology/oldest-homo-sapiens-discovered-morocco>

۱۰) <http://www.bbc.com/news/science-environment>

و اگر منظور مکارم شیرازی، اجداد انسان‌ها بوده است که در این صورت پایه‌های نظریه تکامل نمی‌لرزد و بعید است که ایشان چنین منظوری داشته باشند، چراکه در این صورت چهل ایشان نسبت به نظریه تکامل اثبات می‌شود. زیرا نظریه تکامل می‌گوید که بین انسان و اجدادش شباهت‌های غیرقابل‌انکاری وجود دارد و حتی وجود شباهت بین انسان امروزی و موجودی به اسم «آردی» که حدوداً ۴ میلیون سال پیش بوده است، خود سندی بر تکامل اندام آردی به انسان امروزی است. نظریه تکامل می‌گوید شباهت‌هایی بین انسان و اجدادش وجود دارد و هرقدر این جد به انسان امروزی نزدیک‌تر باشد، شباهت‌هایش بیشتر است؛ و با به وجود آمدن تغییراتی در اجداد ما، به‌مرور و طی سالیان دراز، انسان امروزی پدید آمده است.

و هرچقدر نیای موردنظر نسبت به ما دورتر باشد شباهت‌های کمتری با ما خواهد داشت، مثلاً استرالوپیتکوس‌ها نسبت به همو اکتوس‌ها شباهت‌های کمتری با ما دارند

مقاله مشخص شد که مکارم شیرازی زمانی می‌تواند ادعای خود را ثابت کند که بتواند اثبات کند مجموعه‌های پیدا شده متعلق به هوموساپینس است؛ زیرا وجود شباهت‌هایی بین انسان امروزی با نسل‌های قبلی از مسلمات دانش زیست‌شناسی تکاملی است و مکارم شیرازی وقتی می‌تواند ادعا کند پایه‌های نظریه تکامل لرزیده است که فسیلی مربوط به انسان امروزی (هوموساپینس) پیدا کند که قدمتی حدود ۲ میلیون سال داشته باشد.

پس درنتیجه همان‌طور که مشخص شد، مکارم شیرازی خبر پیدا شدن فسیل‌هایی مربوط به انسان امروزی (هوموساپینس) با قدمت حدود ۲ میلیون سال را می‌دهد و این در حالی است که



الهللی،از پدرش گفت: بر رسول خدا (ص) وارد شدم... هنگامی که دنیا دچار هرج و مرج گردید و قتنه‌ها آشکار شد و راه‌ها قطع شد و بعضی به بعض دیگر حمله کردند، پس بزرگ‌تر به کوچک‌تر رحم نمی‌کند و کوچک‌تر به بزرگ‌تر احترام نمی‌گذارد؛ در آن زمان خداوند از ما، کسی را برمی‌انگیزد که دزهای گمراهی را فتح می‌کند؛ و دنیا را پر از عدل می‌کند همان‌طور که پر از ستم شده است.

بنابراین رسول خدا (ص) بیان می‌کند که مهدی در میان امتی مانند این زمان مبعوث می‌شود و همانا او کسی است که دین را محقق می‌سازد، رسول خدا (ص) فرمود: شب و روز نمی‌رود تا اینکه لات و عزّی عبادت شوند؛ پس گفتم ای رسول خدا! قطعاً که وقتی خداوند این آیه را نازل کرد، (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ (او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همهٔ ادیان غالب سازد، هرچند مشرکان کراهت داشته باشند). (صف: ۹) گمان می‌کردم که دین، کامل است. فرمود: قطعاً از دین، آنچه را که خدا خواهد، وجود خواهد داشت؛ سپس خداوند باد مطبوعی را برمی‌انگیزاند، پس هرکس را که در قلبش به‌اندازهٔ دانهٔ خردلی، از ایمان باشد می‌میراند، درنتیجه کسی که هیچ خبری در او نیست باقی می‌ماند، پس به دین پدرانشان برمی‌گردند، (صحیح مسلم: جلد۱، صفحه ۱۰۹ ، حدیث ۱۸۵ و امروزه بر ما لازم است که همانند قریش در آغاز دعوت محمدی نباشیم و با رسول خدا (ص) -و او کسی است که برای نجات ما آمده است- نجنگیم.

پس امروز همان مهدی که در آخرالزمان مبعوث می‌شود ظاهر شده و همانا او -همان‌طور که رسول خدا (ص) توصیف کرد- آمده است؛ درحالی‌که میگوید:

«... نسبت به مسلمانان اهل سنت: همانا رسول‌الله (ص) آنان را به یاری و نصرت مهدی فراخوانده و او را خلیفهٔ الله نامید، همان‌طور که در روایات صحیح کتب اهل سنت آمده است. به‌سوی آنان آمده‌ام درحالی‌که نامم شبیه نام رسول‌الله (ص) «احمد» است و نام پدرم همانند نام پدر رسول‌الله (ص) «اسماعیل» است؛ همان‌گونه که روایات رسول‌الله (ص) چنین می‌فرمایند: (من فرزند دو قربانی، عبدالله و اسماعیل هستم)؛ و با وصیت متمایز و موصوف به کتاب بازدارنده از گمراهی برای چنگ زده به آن و با علم و حکمت و با یگانگی پرچم بیعت برای الله به‌سوی شما آمده‌ام، کتاب وصیت مقدس، نوشتار بازدارنده از گمراهی).

تحریک کرد و اخلاق آن‌ها را اصلاح کرده و فطرت‌ها و قلب‌هایشان را نرم کرد و آن‌ها را برای تکامل و پیشرفت، آماده نمود و آن‌ها را از خونریزی و زنده‌به‌گور کردن دختران، باز داشت؛ و این کارهای بزرگی که محمد (ص) آن‌ها را انجام داد، نشان می‌دهد که او ازجمله مصلحین بزرگ است و اینکه در نفس او قوه‌ای بالاتر از قوهٔ بشر وجود دارد، پس او دارای فکری روشن و بصیرت و قدرت رهبری است و به خوش‌اخلاقی، نرم‌خویی، فروتنی و نیکو رفتار کردن با مردم شهرت داشت. محمد (ص) چهل سال را با مردم با سلامتی و آرامش گذراند و همهٔ خویشاوندانش به او دل بسته بودند و مردم شهرش به خاطر آن اصول صحیح و اخلاق بزرگوارانه و شرافت نفس و پاکی‌ای که داشت، بسیار به او احترام می‌گذاشتند. حال قریش و قوم عرب قبل از بعثت پیامبر، به شکل جامعه‌ای عقب‌مانده از نظر اخلاقی و فکری و اعتقادی بود، جامعه‌ای که به‌صورت جاهلیت زندگی می‌کرد؛ اما هنگامی‌که پیامبر آمد، حالشان را از بدحالی به بهترین حال تغییر داد و قطعاً برتری رسول، محمد (ص) بر قوم عرب هیچ حدومرزی ندارد؛ زیرا آن‌ها را از جاهلیت به‌سوی نور اسلام خارج کرد و حال قوم عرب را به حالی تغییر داد که شرق‌شناس ایرلندی آقای هربرت وایل در کتابش می‌گوید: «معلم بزرگ».

بعد از ششصد سال از ظهور مسیح، محمد (ص) ظهور کرد؛ پس همهٔ تصورات غلط را از بین برد و عبادت بت‌ها را حرام کرد و مردم به او به خاطر راستی و امانت‌داری، لقب امین می‌دادند و او کسی است که اهل گمراهی را به‌سوی راه راست راهنمایی کرد و هنری سیروی اضافه می‌کند که «محمد (ص) در جان‌های اعراب فقط ریشهٔ توحید را نکاشت، بلکه در آن‌ها تمدن و ادب را نیز کاشت».

و امروزه این حال امت اسلامی است، همانا جامعهٔ اسلامی از نظر فکری و اخلاقی عقب‌مانده است، به‌گونه‌ای که هر جنبنده‌ای قربانی خون‌های مسلمین می‌شود و کشته می‌شود، اگرچه کشورهای اسلامی زیر سیطرهٔ غرب واقع شده و مسلمانان تحت امر غربی‌ها هستند؛ و این زمان همان‌طور که رسول خدا (ص) فرمود، همان زمان برانگیخته شدن مهدی است. رسول خدا (ص) فرمودند: (شما را به مهدی بشارت می‌دهم که در میان امتم و در زمان اختلاف مردم و زلزله‌ها برانگیخته می‌شود، پس زمین را از عدل و داد پر می‌کند، همان‌طور که از ستم و ظلم پر شده است). (مسند ابی سعید: حدیث۱۱۰۶؛ السیوطی، الدر المنثور:ج۲ ص ۵۸)

و طبرانی در کتاب الکبیر، جلد ۳ ، صفحه۵۷، حدیث ۲۶۷۵ آورده است، از علی بن علی

بعثت

در میان قوم عرب، عادت‌های بد و خوب دیگری هم وجود داشت؛ ازجمله عادت‌های بدشان، خوردن شراب و زنده‌به‌گور کردن دختران و کوچک شمردن زنان و عصبيت و قتل و غارت ... بود، ولی در کنار آن صفات پست، صفات نیکی ازجمله کرم و شجاعت و مردانگی و حمایت از همسایه و فریادرسی از فرد نگران وجود داشت ...

ولی در جزیره‌شان پادشاهی که آن‌ها را زیر سلطهٔ حکومتش جمع کند و امور سپاهیانشان را در نیروی نظامی سروسامان دهد، نداشتند؛ همان‌طور که در یمن و غساسنه در شام و مناذره در عراق داشتند، بزرگ هر قبیله از فرزندان آن قبیله بود که همانند پدر برای اهل قبیله‌اش بود، از آن‌ها دفاع می‌کرد، دوستشان داشت و آن‌ها او را دوست داشتند و از امرش اطاعت می‌کردند.

قبیله‌های عرب در زندگی‌شان شیوهٔ جابجایی از یک مکان به مکان دیگر به‌جهت یافتن چراگاه را در پیش می‌گرفتند؛ زیرا زندگی‌شان متوقف بر زادوولد چهارپایان مثل گوسفند و شتر بود؛ درنتیجه جنگ‌های بی‌رحمانهٔ متعددی به خاطر آن به پا می‌شد. بزرگ قبیله در منطقه‌ای اجاق روشن می‌کرد (آتش برمی‌افروخت)، درنتیجه هیچ‌کس جرئت نمی‌کرد تا در آن منطقه چهارپایانش را به چرا ببرد.

و عقل‌هایشان به خاطر ساده‌ترین امور، تحریک می‌شد و جنگ‌ها برپا شده و به سبب آن خون‌ها جاری می‌شد مانند جنگ داحس و غبراء و جنگ بسوس؛ و هرکدام از این دو جنگ چهل سال ادامه یافت.

پس حال قوم عرب در دوران جاهلیت این‌گونه بود و به خاطر کم‌صبری‌شان به این اسم نامیده شد؛ پس جاهلیت ضد حلم و بردباری است؛ و حالت جهان قبل از اسلام و قبل از ولادت رسول خدا (ص) این‌گونه بود، حالتی از آشوب و وحشت و ترس همیشگی، عرب اصیل نسبت به قبیله‌اش تعصب داشت و آن‌ها را از دست غیرش نجات می‌داد و در ضرب‌المثل آمده: (برادرت را یاری کن، خواه ظالم باشد یا مظلوم)؛ و شاعر زهیربن ابی سلمی گفت: (و هرکس که به مردم ظلم نکند به او ظلم می‌شود).

محمدبن عبدالله (ص) پیامبر عربی و خاتم پیامبران آمد، درحالی‌که همهٔ قوم عرب و مردم را به دین جدید بشارت می‌داد و به‌سوی اعتقاد به خداوند یکتا و یگانه دعوت می‌کرد. شریعت [در دعوت او] جدای از عقیده و ایمان نیست و مثل یک چنین شریعتی از قدرت الهی الزام‌آوری که نه‌فقط امور دینی، بلکه امور دنیایی را نیز تنظیم می‌کند، برخوردار است؛ درنتیجه زکات و جهاد بر ضد مشرکان و گسترش دین راستین (دین اسلام) را بر مسلمان واجب می‌کند و هنگامی‌که پیامبر عربی (ص) در سال ۶۳۲ میلادی از دنیا رفت، دعوتش را تمام کرده بود و از سروسامان دادن وضع نظام اجتماعی که بسیار بالاتر از نظام عرب قبل از اسلام بود، فارغ شده بود و آن‌ها را در وحدتی قوی، ذوب کرده بود؛ و برای جزیره‌العرب یک وحدت دینی منسجم که تا قبل این مثل آن شناخته نشده بود، حادث شد .

موضوع برتری فرستاده، محمد (ص) بر قوم عرب، توجه منصفین را برانگیخته است؛ پس او کسی است که برای اولین بار در تاریخ، جزیره‌العرب را در سایهٔ حکومت اسلامی که با جابجایی عرب، از جاهلیت به تمدن و شهرنشینی منور شد، یکی کرد(متحد کرد)؛ و در شبه‌جزیرهٔ عرب در مجاورت فلسطین، دیابتی که اساس آن، اعتراف به یگانگی خداوند بود، ظاهر شد و این دیانت، به‌عنوان دین محمدی شناخته می‌شد یا همان‌طور که پیروانش آن را می‌نامند، دین اسلام؛ و این دین به‌سرعت انتشار یافت و مؤسس این دین همان فرد عرب، محمد (ص) است که عادت‌های بت‌پرستی قومش را ریشه‌کن کرده است و قبیله‌های عرب را متحد کرد و افکار و دیدگان آن‌ها را به سمت شناخت خداوند یگانه

عربستان و ظهور امام مهدی علیه السلام

بر اساس روایات معصومین (ع)، سرزمین حجاز (عربستان کنونی) در روایات مربوط به آخرالزمان، حامل حوادث بسیار مهمی است. نقطهٔ عطف روایات دربارهٔ شخصیت عبدالله است:

– عنّه عن عثمان بن عیسی عن درست بن أبی منصور عن عمار بن مروان عن أبی بصیر قال: سمعت أباعبدالله (ع) يقول «من یضمن لی موت عبدالله أضمن له القائم ثم قال: إذا مات عبدالله لم یجتمع الناس بعده علی أحد و لم یتناه هذا الأمر دون صاحبکم إن شاءالله و یدهب ملک السنین و یصیر ملک الشهور والأیام فقلت یطول ذلک قال کلا؛» «از امام صادق (ع) آمده است که: هرکس مرگ عبدالله را برای من تضمین کند، [قیام/ آمدن] قائم را تضمین می‌کنم؛ سپس فرمود: هنگامی که عبدالله بمیرد، مردم بعد از او بر احدی جمع نمی‌شوند و این امر ختم نمی‌شود، مگر به صاحبان ان‌شاءالله و فرمانروایی ماه‌ها و ایام جایگزین سال‌ها می‌شود؛ پس گفتیم: تحقق این امر طولانی است؟ فرمود: هرگز.»، (الغیبه للطوسی: ص ۴۴۷)

- تغییر و تحول در ساختار قدرت عربستان سعودی بعد از مرگ عبدالله، واضح و روشن است. ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی برادرزادهٔ خود «محمدبن نایف» را از سمت ولیعهدی این کشور برکنار و «محمدبن سلمان»، پسر خود را در این سمت منصوب کرد. محمدبن سلمان نیز سودای نشستن بر کرسی پادشاهی عربستان را در سر دارد. برکناری ولیعهد سابق و انتخاب محمد سلمان اعتراضاتی در میان شاهزادگان سعودی به دنبال داشته است. گذشته از اختلافات داخلی در خاندان پادشاهی حجاز، گام‌های شتابان ولیعهد عربستان برای تبدیل وجههٔ سلفی- وهابی عربستان به کشوری سکولار نیز قابل توجه است. در ذیل، پاره‌ای از اصلاحات و وضعیت کشور عربستان گزارش می‌شود:
- ملک سلمان برخی از فرماندهان ارشد ارتش عربستان سعودی را از سمت خود برکنار کرد. در اصلاحات و تغییرات پادشاه عربستان فرماندهان نیروی زمینی و هوایی ارتش نیز برکنار شده‌اند.
- قول آزادی‌های سکولار در عربستان سعودی.
- گارد ملی عربستان، تاکنون ۱۲ هزار معلم (با گرایش‌های وهابی) را که برخی سوزی‌الاصل، عراقی و یا تونسی‌اند، بازداشت کرده و ۳۵ هزار معلم مصری نیز که در مدارس عربستان، علوم اسلامی تدریس می‌کنند، بازداشت شده‌اند.
- ادارهٔ متفاوت اقتصادی از جمله دعوت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی.
- انتقاد از سیاست‌های بن سلمان و اعتراضات مردمی در ریاض.

همهٔ این‌ها نشان می‌دهد: عبدالله در روایات، همین عبدالله بوده که با مرگ او اختلافات داخلی در عربستان گسترده شده و این کشور رویکردِ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... جدیدی را تجربه می‌کند. بسیاری از کارشناسان؛ از جمله «هشام الهییشان» معتقد است: «اصلاحات در عربستان در چارچوب طرح آمریکایی برای تجزیهٔ این کشور صورت می‌گیرد و حاکمیت این کشور با رهبری جهان اسلام بسیار فاصله دارد.» حال با توجه به حدیث امام صادق (ع)، که به‌صورت شرطی بیان شده است:

«هرکس مرگ عبدالله را برای من تضمین کند [قیام/ آمدن] قائم را تضمین می‌کنم

می‌توانیم بفهمیم قائم (ع) نزد ماست. او آمده است و ندای «هل من ناصر ینصرنی» او در جهان طنین افکنده است و هر روزه، افراد بسیاری با دیدن رُهبای صادقّه و شنیدن ادلهٔ دعوت سید احمدالحسن (ع) و خواندن کتاب‌های ایشان، به دعوت مبارک یمانی (ع) ایمان می‌آورند. سید احمدالحسن (ع) وصی و فرستادهٔ امام مهدی (ع) دلایل متقن عقلی، قرآنی و روایی خود را به اهل عالم تقدیم کرده‌اند. نام سید احمدالحسن (ع) در وصیت مقدس نبوی ذکر شده و همگان را به حاکمیت الله که همان خلافت خلیفه‌الله، مهدی است دعوت می‌کنند. در آخر خاطر نشان می‌کنیم که مطالب بالا، به‌صورت طرح و نظر مطرح شده است؛ زیرا راویان اخبار مهدویت، مرگ عبدالله را به‌عنوان علامت ظهور دعوت مبارک مهدوی به‌خوبی درک می‌کنند؛ پس اشکالی ندارد تا آن را از طریق مرگ عبدالله مطرح کنیم و خواننده می‌تواند آن را مورد تأمل قرار دهد؛ بپذیرد یا نپذیرد، این گفتار بر اساس واقعیت‌هاست.



منابع رسمی دعوت مبارک یمانت موعود، سید احمدالحسن

سایت مؤسسه وارثین ملکوت

🌐VARESIN.ORG

ارتباط با ما

📧@ZAMANE_ZOHOUR

صفحه رسمی فیس‌بوک سید احمدالحسن

📘/AHMED.ALHASAN.10313

سایت رسمی فارسی

🌐ALMAHDYOON.CO

سایت هفته‌نامه زمان ظهور

🌐ZAMANEZOHOOR.COM

کانال تلگرام هفته‌نامه زمان ظهور

📧@ZAMAN_ZOHOUR

